



معنای جاودانگی در گلشن راز شیخ محمود شبستری

فاطمه شکر دست

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

چکیده

جاودانگی در معنای خلود و بی‌مرگی از موضوعات مورد توجه بشر در اعصار گوناگون است و از زاویه‌های گوناگونی مانند نگاه دینی، عقلی، فلسفی، عرفانی و... مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله به بررسی و تحلیل این مفهوم در مثنوی عرفانی گلشن راز شیخ محمود شبستری پرداخته شده است. شبستری از جمله عرفای قرن هشت است که در آثار خود به ویژه گلشن راز - که پاسخی است به سوالات معرفتی امیری هروی - در این زمینه به ارائه نظر پرداخته وی در عقاید عرفانی خود تحت تأثیر ابن عربی بوده است. پیش از بررسی گلشن راز ابتدا مفهوم جاودانگی بررسی و به تاریخچه و ضرورت بحث توجه شده است. در ادامه نظریات مطرح در باب جاودانگی و تعریف اصطلاحات مورد استفاده‌ای چون «این‌همانی شخصیت»، «نفس»، «شعور» و... آورده شده؛ سپس با نگاهی به زندگی شیخ محمود شبستری و مثنوی فلسفی - عرفانی او، «گلشن راز»، ابیات مرتبط با موضوع جاودانگی، تحلیل و تبیین شده است. مباحثی مانند افق نگاه شبستری به سرنوشت انسان، کیفیت جاودانگی در عرفان شبستری، مفهوم «من» (شخص)، «زمان»، «وجود دوگانه انسان» (جسم و روح)، از موضوعات مورد توجه در این پژوهش است. در عقاید و آراء شبستری اتفاقی که برای انسان در فرایند مرگ رخ می‌دهد پیوستن جزء موهوم و خیالی است به حقیقت کل. ورود به حیات جاودان در لحظه و «آن» و بلافاصله پس از مرگ رخ می‌دهد چرا که زمان در ورای جسمیت معنا ندارد شبستری با تناسخ و حلول مخالف است و معتقد است پس از مرگ ادامه حیات در جهانی دیگر رخ می‌دهد و آنچه به آن جهان منتقل می‌شود جسم نیست روح است و بلکه مفهومی بالاتر از روح. و آنچه باعث می‌شود این جاودانگی به حساب شخص واحد گذاشته شود «این‌همانی شخصیت» و «تداوم حافظه» است.

واژگان کلیدی: جاودانگی، شیخ محمود شبستری، گلشن راز.